

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال هجدهم - شماره ۱۳۳
بهار ۱۳۹۹

نقش بانوامین علیها السلام در گسترش علوم اسلامی با تأکید بر دانش و روش تفسیری

ناهید طیبی^۱

چکیده

تنوع موضوعات کتب بانوامین علیها السلام (۱۲۷۴-۱۳۶۲ ش) نمایانگر نقش وی در علوم اخلاق، عرفان، فلسفه، کلام و تفسیر است؛ اما غلبه نگرش قرآنی و به ویژه کتاب تفسیر ایشان، موجب تمرکز مقاله حاضر بر نقش بانو امین در دانش و روش تفسیر شده است. این نوشتار با بررسی درون متنی تفسیر مخزن العرفان و نگاهی برون متنی (با هدف بررسی میزان تأثیر آن در آثار دیگر) به تحلیل نقش بانو امین در تحولات دانش و روش تفسیری می پردازد. بر اساس یافته های تحقیق، تفسیر مخزن العرفان، گرچه در ابتدا و با توجه به عنوان آن، رویکرد عرفانی را برمی تابد، اما با دقت در محتوای آن می توان ضمن مشاهده روش درایی (اجتهادی)، عرفانی و روایی، شاهد رویکرد کلامی، اجتماعی و تربیتی بانو به تفسیر بود. روش تفسیری این بانوی مجتهد، آمیزه ای از روش های قرآن به قرآن، عقلی، نقلی و شهودی است. تعیین نقش زمینه ساز بانو در گسترش دانش تفسیر در جامعه زنان، تأثیرگذاری وی در اتخاذ روش های تفسیری در تفاسیر پسین و قابلیت تبدیل روش ترکیبی در تفسیر توسط ایشان به یک مکتب و یا مدرسه جدید تفسیری، از دیگر دستاوردهای مقاله است. عنوان «مکتب ترکیبی تفسیر» پیشنهاد نگارنده برای این روش تفسیری است. بسامد کتاب تفسیر مخزن العرفان در آثار بعدی و نگارش مقالات متعدد با محوریت این تفسیر، بیانگر نقش قابل توجه بانو در دانش و روش تفسیر است.

واژگان کلیدی: بانو امین، دانش تفسیر، روش های تفسیری، مخزن العرفان، گسترش علوم.

۱. دانش آموخته سطح سه رشته فقه و اصول جامعه الزهرا علیها السلام و دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع عالی بنت الهدی،
Tayyebi110@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ، زنان فرهیخته و وارسته‌ای به ظهور و بروز رسیده‌اند که با وجود محدودیت‌های اجتماعی و عدم امکانات علمی، به مقام والا و رفیعی دست یافته‌اند. از جمله این بانوان برجسته به «بانوی ایرانی» است. او افزون بر کمالات معنوی و علمی، از شخصیت استوار و محکمی برخوردار بود و با وجود باورهای نادرست برخی پیشینیان در مورد زن که حتی قلم به دست گرفتن را سزاوار مردان دانسته و برای زنان عیب و عار تلقی می‌کردند، مرز خرافه‌های باورنما را شکسته و تبعیض جنسیتی حاکم بر زمانه را زیر سؤال برد؛ به گونه‌ای که سیدحسن امین رحمته‌الله علیه، محقق کتاب اعیان الشیعه، وجود بانو را از امتیازات منحصر به فرد شهر اصفهان دانسته است. (امین، ۱۳۴۷، ص ۹۰)

تعدد و تنوع آثار بر جای مانده از بانو نشانگر ورود قابل توجه وی در حوزه‌های مختلف علوم مانند حدیث، فلسفه، کلام و عرفان است، اما نوشتار حاضر درصدد بیان و تبیین نقش بانو امین در گسترش دانش و روش تفسیر است.

در مورد نقش بانو امین در گسترش علوم هیچ پیشینه‌ای یافت نشد؛ اما مقالات زیادی با محوریت موضوعی شخصیت و آراء و تفسیر وی نگاشته شده است. در سه مقاله «زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی» به قلم مهدی مهریزی (سال ۱۳۸۵)، «تفسیر مخزن العرفان و مفسران» نوشته دکتر نهله غروی (سال ۱۳۷۸) و «روش‌شناسی تفسیری بانو امین» نگاشته نرگس عبدالحمید، که به روش تفسیری بانو پرداخته، به طور خاص به تفسیر مخزن العرفان پرداخته شده و پیشینه مقاله حاضر خواهند بود. البته در هیچ یک از آنها به نقش بانو در دانش و روش تفسیر پرداخته نشده است. در مقاله علمی-پژوهشی «مقایسه دیدگاه حکیم مدرس زنوزی و بانو امین در توحید ذات» نوشته نفیسه اهل سردمدی و مریم‌السادات ایزدی (سال ۱۳۹۲) ضمن بیان دیدگاه کلامی حکیم زنوزی، آراء کلامی و فلسفی بانو بررسی شده؛ اما با توجه به تأکید نوشتار حاضر بر دانش و روش تفسیری بانو، جزء پیشینه به شمار نمی‌رود.

کتاب‌های «بانوی مجتهده ایرانی» نگاشته ناصر باقری بیدهندی و «زندگانی بانوی ایرانی» نوشته نگارنده نوشتار حاضر (ناهد طیبی)، «بانو امین» از اعظم رجالی و ... نیز مدخل «بانو امین»

درج شده در دانشنامه تخت فولاد، گرچه در بخش‌های مقدماتی مقاله و برای معرفی بانو، منبع مناسبی است؛ اما به لحاظ گستردگی موضوع آنها، پیشینه خاص به شمار نمی‌روند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تفسیر اجتهادی

اجتهاد از ریشه جَهْد یا جَهْد، در لغت به معنای به‌کاربردن تمام توان برای رسیدن به مقصد است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۸۶ و جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶۰). تفسیر اجتهادی، کوشش برای تبیین آیات قرآن و استنباط معارف آن براساس منابع گوناگون و عقل است که کامل‌ترین و جامع‌ترین روش تفسیر به‌شمار می‌رود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۱۲۹). تفسیر اجتهادی را عقلی یا عقلی و اجتهادی یا تفسیر به رأی (: به اجتهاد) یا درایی نیز نامیده‌اند (همان) و به‌طور معمول در برابر تفسیر نقلی قرار می‌گیرد. تفسیر مخزن العرفان، که جدی‌ترین فعالیت تفسیری بانو امین بوده و در دهه ششم زندگی وی آغاز شد، به روش اجتهادی (عقلی) با رویکرد اجتماعی، کلامی شیعی و تربیتی نگاشته شد. این تفسیر به‌صورت آمیزه‌ای از روش‌های تفسیری مانند نقلی (قرآن به قرآن و قرآن به روایات) و عقلی و شهودی نگاشته شده است. از آنجا که مرکز ثقل مقاله پیش رو، دانش و روش تفسیری بانو است، جزییات مربوط به تفسیر در بخش‌های بعدی خواهد آمد.

۱.۲. نقش

برای نقش، دو معنای متضاد ذکر شده است. اولی از ماده نقش به معنای خارج کردن و دورساختن شیء از شیء دیگر است، به طوری که چیزی از آن باقی نمانده و نقش الشَّعْر به معنای کندن مو است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۷۰) و دوم به کار و عمل نقاش و ردّ پا یا اثری که بر روی زمین حاصل می‌شود، نقش گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۱ و ازهری، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۲۵۶). شاید بتوان این دو معنا را در هم آمیخت و گفت با نقش آفرینی فردی، اثر و موقعیت پیشین از بین رفته (معنای اول) و اثر و حالت جدید بر جای می‌ماند (معنای دوم). به‌عنوان مثال، با نقش روشنگری یک

عالم، جهل نسبت به موضوع از بین رفته و آگاهی و علم، نقشی است که در سایه این روشنگری بر جای می‌ماند. در جامعه‌شناسی، به رفتارهایی که از فرد به مناسبت احراز یک جایگاه معین انتظار می‌رود، نقش گفته می‌شود (کوئن، ۱۳۷۸، ص ۳۷۸). بر اساس این تعریف، از آنجا که همسر، مادر یا معلم بودن، جایگاهی است که موجب انتظار رفتارهایی متفاوت از دیگر بانوان را در ذهن ایجاد می‌کند، پرداختن به زندگی و نقش‌های برخی افراد تأثیرگذار در جامعه اهمیت دارد.

۲. مروری بر شخصیت، زمانه و آثار بانو امین علیها السلام

بررسی شخصیت انسان‌های تأثیرگذار، در صورتی بر واقعیت منطبق خواهد بود که اوضاع سیاسی - اجتماعی و علمی - فرهنگی زمانه آنان مورد مذاقه قرار گیرد و میزان تأثیر و تأثر آثار برجای مانده از آنان بر جامعه مشخص گردد. از این رو، ابتدا زیست‌نامه اجمالی بانو و سپس اوضاع زمانه و آثار وی بررسی می‌شود.

۲.۱. شخصیت بانو امین

بانو نصرت بیگم فرزند محمدعلی امین‌التجار، از نوادگان علامه وارسته، سیدمعصوم حسینی خاتون‌آبادی، در سال ۱۲۷۴ ش / ۱۳۱۲ ق در خانواده‌ای تاجری‌پیشه و متمول در اصفهان به دنیا آمد. از دوران کودکی و نوجوانی وی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما با در نظر گرفتن فضای سیاسی دو دهه پایانی قرن ۱۳ و نیمه اول قرن ۱۴ از یک سو و نگاه‌شده‌های وی از چهل سالگی به بعد از دیگر سو می‌توان به دغدغه‌ها، آرزوها و پرسش‌های درونی او دست یافت. نکته برجسته زندگی بانو، اهمیت دادن به علم و دانش و محوریت آن در زندگی و همّت ویژه نسبت به دانش‌اندوزی و ترویج کسب علم توسط بانوان است. متن وصیت‌نامه بانو نمایانگر توجه ویژه او به دانش مبتنی بر تقوا است (ر.ک: جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳ و نرم‌افزار بانوی ایرانی، دفتر تبلیغات اسلامی). به اعتقاد وی، بر اساس آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲)، دانشی که به وسیله تقوی حاصل می‌گردد، غیر از علمی است که به وسیله تعلّم و اکتساب از ادلّه نظری به دست می‌آید؛ زیرا دانشی که به کسب و نظر حاصل می‌شود، علم رسمی است و نوری از آن تحصیل نمی‌گردد.

این بانوی مجتهد، از آیات عظام: محمدکاظم شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی و محمدرضا نجفی اصفهانی اجازه اجتهاد و روایت گرفته و به آیت الله سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، سیدعباس حسینی کاشانی (صاحب کتاب معجم الشیعه)، شیخ عبدالحسین امینی (صاحب الغدیر)، علامه شهید محمدعلی قاضی طباطبایی، سیدمحمدعلی روحانی، شیخ عبدالله سبیتی و بانو علویه همایونی اجازه روایت داده است. (باقری بیدهندی، ۱۳۸۷، ص ۲۵؛ برای مشاهده متن رک: طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵)

بانو از جمله دانشمندان علوم دینی بود که بدون هجرت به نجف اشرف و تحصیل در آن حوزه علمیه مبارک و حتی زیستن در مشهد و قم و در جوار حوزه‌ها و عالمان دینی توانست مقام اجتهاد را کسب کند. این در حالی است که مردان برای ارتقای سطح علمی و دینی خویش، به راحتی مهاجرت می‌کردند.

وی در آثارش، نام خویش را با تعابیر «بانوی ایرانی» و یا «به قلم کمترین خادمه از خدام آل رسول الله و کوچک‌ترین ذره از ذراری بتول و آمة من اماء الله تعالی» می‌آورد که حکایت از نهایت خضوع وی داشت. به نقل علامه حسن امین، در مقاله‌ای که در زمان حیات بانو به نگارش درآمده، ایشان کتابخانه‌ای بزرگ داشت که بخش اعظم آن را به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف هدیه کرده است. (امین، ۱۳۴۷، ص ۹۰)

بانو امین در خرداد سال ۱۳۶۲ ش / ۱۴۰۳ ق در حالی که هشت کتاب و مدرسه علمیه بانوان و دبیرستان دخترانه‌ای از خود برجای گذاشته بود، درگذشت و در مقبره اختصاصی در اصفهان به خاک سپرده شد.

۲،۲. اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در زمانه بانو علیه السلام

دوران حیات بانو امین (۱۲۷۴-۱۳۶۲ ش) با سی و سه سال دوران قاجار، پنجاه سال سلطنت پهلوی و حدود پنج سال از انقلاب اسلامی همزمان بود. تاریخ ایران زمین در این نه دهه شاهد اتفاقات منحصر به فردی بود که قطعاً در زندگی و شخصیت بانو بی‌تأثیر نبود. در دهه دوم حیات بانو، نهضت مشروطه (سال ۱۲۸۵ ش) که در تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران سرنوشت‌ساز بود،

واقع شد (ر.ک: براون، ۱۳۸۰، ص ۷۳ به بعد). انتشار خبر اهانت به جایگاه روحانیت توسط مسیو نوژ بلژیکی، وزیر گمرکات ایران، احداث بانک استقراضی روس، چوب خوردن مجتهد کرمانی، دستگیری شعاع السلطنه در فارس، اقدامات ظالمانه آصف الدوله در خراسان و ظل السلطان در اصفهان و اهانت حاکم قزوین به یکی از علما، از دیگر اتفاقات این دوره بود. (ر.ک: راوندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۸۷ و ج ۵، ص ۲۲۴ و پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، ص ۸۵۲-۸۵۵)

۲,۳. آثار بانو امین علیها السلام

آثار افراد فرهیخته، پژوهشی است از اندیشه و دغدغه‌ها از یک سو و زمانه و رخدادهای عصر زیست آنان. آثار بانو عبارت است از:

- اربعین الهاشمیه، که بانو در چهل سالگی نگاشت و به سبب آن، از علمای نجف و ایران اجازه نقل روایت گرفت. مناسبات و ملاحظات در نامگذاری کتاب ستودنی است؛ در چهل سالگی، چهل حدیث (اربعین) از بانوی سیده (الهاشمیه) علوی. چاپ‌کننده کتاب «اربعین الهاشمیه» در کویت در مقدمه کتاب و پس از توصیف شخصیت علمی بانو می‌نویسد: ... او به الفاظ ادبی که بدون لمس واقعیت بوده و در عمق موضوع، غور و فحص نکرده باشد، اکتفا ننموده، بلکه با تمام وجود، در دریای علوم داخل می‌شود و مرواریدهایی را بعد از تلاش بسیار خارج می‌کند. (بانوی ایرانی، ۱۳۱۵ ق، ص ۸)
- مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی که حاصل نذر واجب بانو در پی یک بیماری است و بدون ذکر تاریخ است.
- روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی که غالب دیدگاه‌های بانو در مورد زن در این کتاب منعکس شده است.
- سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سعدا، که در تاریخ ۱۳۲۳ ش / ۱۳۶۳ ق در ۴۹ سالگی نگاشته است.
- معاد یا آخرین سیر بشر، که بر اساس نقل شاگردان بانو، تمام کتاب از ذهن خود

وی سرچشمه گرفته و از منبع دیگری اقتباس نشده است.

- اخلاق یا راه سعادت، ترجمه طهارة الاعراق ابن مسکویه.
- النفحات الرحمانیه، که بانو آن را به زبان عربی در سال ۱۳۲۹ ش / ۱۳۶۹ ق در ۵۵ سالگی به نگارش درآورده و حاصل مشاهدات و اشراقات قلبی اوست. کتاب دارای ۴ وقعه (اتفاق واقعی و عادی) و ۵۵ نفحه رحمانیه است.
- تفسیر مخزن العرفان، که نگارش جلد اول آن در سال ۱۳۳۵ ش / ۱۳۷۶ ق در ۶۱ سالگی بانو به پایان رسید و پس از ۲۰ سال، کل قرآن در ۱۵ جلد تفسیر شد.
- جامع الشتات، که در سال‌های پایانی عمر بانو نگاشته شد و در آن، به پرسش‌های پراکنده و متنوع فقهی، اصولی و عرفانی پاسخ داده شده است.^۱

با توجه به نامه‌ای که بانو به مجله آشفته نگاشته (ر.ک: طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴) به احتمال، مقالاتی نیز به قلم وی وجود داشته که امروزه در دست ما نیست.^۲

۳. روش و رویکرد بانو امین در تفسیر

بررسی روش و رویکرد تفسیری یک مفسر و نیز ساختار و چینش مطالب تفسیر وی، در شناخت اثر نقش بسزایی دارد و منجر به شناخت گرایش‌ها و مشی تفسیری مفسر می‌شود. در ادامه، بحث در این موضوع را پی می‌گیریم.

۳.۱. روش تفسیری بانو

بانو از میان روش‌های تفسیری موجود مانند تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به عقل، تفسیر قرآن به روایات، تفسیر به اجتهاد و تفسیر علمی و عرفانی، با تلفیقی از این روش‌ها، نوع جدیدی

۱. نقل شده شیخ مرتضی مظاهری (م ۱۴۰۹ق) که استاد و اعطاکننده اجازه روایت به وی بود، این سؤالات و جواب‌ها را گردآوری و آن را با عنوان «جامع الشتات» به عربی منتشر کرد. (ر.ک: نرم‌افزار بانوی ایرانی)

۲. وکیل خانوادگی بانو، جناب تابش در پی ملاقاتی که نگارنده برای تحقیق کتاب زندگینامه بانو امین با وی داشت، بیان کرد که حجم زیادی از دست خط بانو نزد ایشان است که بسیاری از آنها در کتاب‌ها دیده نمی‌شود و ممکن است نوشته‌های چاپ‌نشده اعم از کتاب یا مقاله باشد.

از تفسیر را ارائه داد. وی خویشتن را در نقیّدات روشی قرار نداده و در تفسیر قرآن، به تناسب نیاز آیات، از عقل، نقل، علم و شهود بهره می‌برد.

گرچه روشمند بودن، در ارائه اثر علمی، اهمیت زیادی دارد و یک اثر علمی، مستلزم انتخاب یک روش تخصصی است؛ اما وقتی ترکیب و تلفیق، در کل اثر ساری و جاری باشد، خود تبدیل به یک روش می‌شود. برخی با تأکید بر نام تفسیر بانو، آن را عرفانی دانسته‌اند؛ ولی با مطالعه دقیق و عمیق محتوای آن و گونه‌شناسی منابع، روشی ترکیبی و اجتهادی را شاهد خواهیم بود. در کتاب دایرة المعارف قرآن کریم، در مورد صبغه و روش تفسیر بانو آمده: مخزن العرفان تألیف بانو امین اصفهانی، که تفسیری است اجتهادی جامع و کامل و به سبکی تربیتی- اخلاقی و عرفانی و مبتنی بر تهذیب نفس و تزکیه اخلاق، به گونه‌ای نیکو نوشته شده است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۷۹)

همچنین در کتاب تفسیر و مفسران، کتاب تفسیر بانو چنین معرفی شده: مخزن العرفان تفسیری است جامع و کامل و از بهترین تفاسیری است که نسل جدید به سبکی شیوا و بدیع ارائه کرده است. . . . تفسیر او به سبکی تربیتی- اخلاقی و مبتنی بر تهذیب نفس و تزکیه اخلاق و به گونه‌ای نیکو و جالب نگاشته شده و از بهترین آثار در این زمینه است. (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۰۶)

بنابراین، تفسیر بانو، اجتهادی است و با رویکرد تربیتی، اخلاقی و عرفانی نگاشته شده است. اجتهادی به این معنا که در تفسیر، برای استخراج حقیقت آیات، از مجموعه ابزار مانند عقل، نقل و شهود بهره برده است. روش اجتهادی مورد نظر در این مقاله، با تفسیر به رأی که در آموزه‌های دینی، ناستوده است، تفاوت دارد.

بانو امین در این مورد می‌نویسد:

«خود را کوچک‌تر از آن می‌دانم که از دانشمندان عالی انتقاد کنم و به گفتارشان خرده‌گیری نمایم. روی سخن به دیگران است. آنهایی که چندان بصیرتی در فهم آیات قرآن ندارند، از این فرمایشات (متشابهات) ممکن است خود را ببازند و از حد خود تجاوز کنند و در تفسیر و تأویل کلام الله، به فریب نفس گرفتار گردند و گمان کنند به محض فراگرفتن اندازه‌ای از قواعد عربی می‌توانند بدون تمسک به اخبار

آل عصمت علیهم السلام، آیات متشابهات را به رأی و سلیقه خود تفسیر و تأویل کنند و مبتلا به تفسیر به رأی منهی عنہ گردند». (بانوی ایرانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶)

به نظر علامه طباطبایی رأی، همان اعتقاد از روی اجتهاد است و کلمه «برأیه» در حدیث، به صورت اضافه به ضمیر آمده است. بنابراین نفی اجتهاد مطلق، در تفسیر قرآن را نمی کند... بلکه اضافه در کلمه «برأیه»، معنای اختصاص و انفراد و استقلال در رأی را افاده می دهد. یعنی مفسر نمی تواند، در تفسیر قرآن و فهم، مستقل عمل کند، چنانچه يك کلام عربی غیر قرآن را تفسیر می نماید، بلکه باید آیات مناسب دیگر را هم بررسی کند و در فهم آنها بکوشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۷۶)

میزان ارجاعات بانو به آثار و آراء علامه طباطبایی (امین، بی تا، ج ۲، ص ۱۲، ۳۲۶، ۳۳۹ و ۳۹۳ و ج ۳، ص ۱۶، ۲۴ و ۲۷ و...) و نیز در مواردی تفسیر قرآن به قرآن توسط خود بانو مانند تفسیر آیه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح: ۱۰)، نشانگر استفاده وی از شیوه تفسیری قرآن به قرآن در پاره ای از موارد است. به اعتقاد علامه طباطبایی، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر و بیان معنای هر آیه با تفکر در همان آیه و آیات دیگر و تعیین مصادیق آیه با استفاده از خصوصیات ذکر شده در آیات، صحیح تر است؛ اما بانو به شیوه وی عمل نکرده و به تناسب نیاز آیه، از روش مناسب آن بهره برده است.

بانو به روش تفسیر قرآن به قرآن، در آیه شریفه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» با استفاده از دیگر آیات ثابت می کند بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله در واقع بیعت و دست نهادن در دست خداست؛ زیرا بیعت که با دست صورت می گیرد و از نظر لغوی از باع بیع گرفته شده و به معنی بیع و معاوضه است، بیانگر این است که با خدا معامله کرده و... به عبارتی به فرض محال اگر برای خدا دست بود، همان دست رسول بود. (بانوی ایرانی، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۰۱)

وی در روش تفسیر قرآن با روایات نیز از اخبار و روایات فراوانی بهره می برد؛ گرچه بیشتر موارد بدون ذکر منبع است و شاید دلیل آن، فضای علمی زمانه او باشد. عدم ارزیابی سندی روایات نشانگر این است که یا دانش رجالی بانو کم بوده؛ چنان که در میان استادان او، استادی برای آموزش رجال دیده نمی شود و یا این مسئله، کمتر مورد توجه بانو در تفسیر بوده است. توجه بانو به روایات ائمه اطهار علیهم السلام، جلوه شیعی بودن اثر را برجسته می سازد.

۳، ۲. رویکرد بانو در تفسیر

رویکرد و نگاه بانو در تفسیرش ناظر بر موارد زیر است:

الف) نگاه کلامی: بانو در ضمن تفسیر، به مباحث کلامی نیز می‌پردازد و در مباحثی از قبیل اضلال خداوند، عصمت انبیاء، جبر و اختیار، نعمت الهی در آیه «انعمت علیهم» (فاتحه: ۷) و ... مطالبی را ایراد می‌کند. به عنوان مثال، در بحث «لیضل به کثیرا» (بقره: ۲۶)، بحثی درباره جبر و تفویض می‌کند و نظریه اشاعره و معتزله را باطل می‌شمارد و گفته معصوم را که فرمود: «امر بین الامرین» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۰) ذکر می‌کند و در رد هر مسلک، دلیل می‌آورد و به آیات قرآن و گفتار معصومان و استدلال عقلی تمسک می‌جوید و در این باره، همت ایشان در بیان نظرات و دیدگاه‌های شیعه، مشهود است. (بانوی ایرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۳، ۲۰۷ و ۲۱۴)

ب) نگاه فلسفی: وی گاهی از نظرات فلاسفه بهره می‌برد؛ مثلاً در بیان حروف تهجی، از گفتار فلاسفه اسلامی همچون صدرالمتألهین و بوعلی سینا (همان، ص ۶۹-۷۲) در ۳۳ مورد به کلام ملاصدرا استناد می‌کند. (ر.ک: همان، همه مجلدات به جز جلد‌های ۴، ۶، ۷ و ۸)

ج) لغت‌شناسی: مفسر گرامی به لغت و اشتقاق و غیر آن هم پرداخته است، اما نه به اندازه تفاسیری همچون «مجمع البیان». شاید از آن جهت، میزان تحلیل و بررسی لغوی در مخزن العرفان بیش از مجمع البیان است که بانو درصدد پرهیز از تکرار بوده و با وجود اثر قبلی در دسترس مخاطبان، ذکر مکرر را لازم نمی‌دانسته است.

د) آیات الاحکام: از آنجا که بخشی از قرآن را آیات احکام تشکیل می‌دهد، بانو به این مباحث نیز پرداخته و آیات فقهی و عبادی را تا حد نیاز شرح داده است. به عنوان نمونه در باب وصیت می‌نویسد: ظاهراً از جمله «کتب علیکم» در آیه «کُتِبَ عَلَیْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ» (بقره: ۱۸۰)، حکم لزومی برمی‌آید و دلالت دارد بر وجوب وصیت که هر کسی هنگام مردنش اگر مالی دارد بایستی وصیت کند (بانوی ایرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۸ و ۳۵۳). وی پس از آن که برداشت ظاهری از قرآن را وجوب وصیت می‌داند، به انضمام آیه دیگر نتیجه می‌گیرد که لازمه آدم متقی این است که هنگام مرگ، وصیت کند برای خویشاوندان خود و آنان را از مال خود محروم ننماید؛ گرچه بر او واجب نیست. (همان، ص ۱۹۹)

۳، ۳. ساختار تفسیر مخزن العرفان

بانو ابتدا شناسنامه سوره‌ها (تعداد آیات، مکان نزول و فضائل قرائت) را بیان کرده و پس از ترجمه آیه، به توضیح و شرح لغوی واژه‌ها و اصطلاحات و دیدگاه‌های دیگر مفسران می‌پردازد. استفاده زیاد از آرای تفسیری طنطاوی، ویژگی خاص تفسیر بانو است (همان، ج ۷، ص ۱۹ و ۵۹ و ج ۹، ص ۱۸۳). در تفسیر مخزن العرفان، ۳۵ بار از طنطاوی نقل شده است. در تفسیر طنطاوی، از مباحث علمی تجربی برای تفسیر آیات استفاده شده و ظاهراً بانو امین بر این روش اهتمام بسیار داشته که ارجاعات زیادی به الجواهر وی دارد. مباحث مطرح شده در مخزن العرفان عبارت است از:

- اخلاقی و تربیتی: فضای غالب و پررنگ در تفسیر بانو که به سبب ارتباط تنگاتنگ با جامعه و به ویژه زنان و مشکلات آنان بود، اخلاقی و تربیتی است. وی در حجره‌ای در بسته و دور از مردم و اجتماع به تفسیر قرآن پرداخت؛ بلکه آیات را کاربردی، عملیاتی و قابل اجرا در زندگی روزمره کرد.
- مباحث فلسفی: که به دیدگاه‌های فلاسفه‌ای چون ابن سینا و صدرالمتهلین استناد کرده است.
- مسائل کلامی: مانند اضلال خداوند، عصمت انبیا، جبر و اختیار و ...
- بیان احکام فقهی: در ضمن تفسیر آیات احکام، به مباحث فقهی، عبادات و معاملات پرداخته شده است.
- نکات نحوی علوم قرآنی: اعجاز، حروف مقطعه، محکم و متشابه و به ندرت، به شأن نزول آیات پرداخته شده است.
- مسائل عرفانی: بانو پس از بیان مکاشفات و اشراقات قلبی خویش به تفسیر آیه مورد نظر پرداخته و بیان می‌کند که پس از این حالت روحانی و معنوی، حقیقت این آیات بر او روشن شد.^۱

۱. به عنوان مثال می‌نویسد: در روز عرفه همان سال [۱۳۵۷] به هنگام سفر از اصفهان به قم، مشاهده کردم که درخت و خاکزار، صحراها و خشکی‌ها، کوه‌ها و بیابان‌ها به زبان حال خود، خداوند بزرگ مرتبه را تسبیح می‌گویند و در آنجا بود که چگونگی تسخیر الهی بر موجودات و پیروی آنها از او، بر من آشکارا شد.

۳,۴. گونه‌های منابع و شیوه ارجاع‌دهی

در تفسیر مخزن العرفان، از منابع تفسیری شیعه و اهل سنت استفاده شده است. برخی از این منابع عبارتند از:

الف) منابع تفسیری شیعی: تفسیر علی بن ابراهیم قمی، مجمع البیان طبرسی، روح الجنان و روح الجنان ابوالفتح رازی، تفسیر عیاشی، کشف الاسرار میبدی، منهج الصادقین ملافتح‌الله کاشانی، تفسیر قرآن حکیم از صدرالمتألهین، المیزان علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و البرهان بحرانی.

ب) منابع تفسیری اهل سنت: جواهر طنطاوی، روح البیان آلوسی، انوار التنزیل و اسرار التأویل بیضاوی و الدر المنثور سیوطی.

شیوه ارجاع به منابع در تفسیر بانو به دو صورت انجام شده: گاه نام منابع تفسیری مانند مجمع البیان، تفسیر بیضاوی، المیزان، کشف الاسرار و... ذکر شده و گاه نام مفسران و نویسندگان اثر مانند فخر رازی، طبری، طنطاوی، صدرالمتألهین و... آورده شده است. البته در مواردی نیز بانو با عبارت «بعضی از علمای تفسیر» و یا «برخی از عرفا» یا «یکی از عرفا»، از مفسران و عارفانی نقل قول می‌کند که معلوم نیست اشاره به کدام مفسر یا عارف است. همچنین نقل اقوال تفسیری صحابه مانند ابن عباس و تابعین نیز در تفسیر دیده می‌شود (بانوی ایرانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۸). وی در مواردی که به تفسیرهای مفسران انتقاد دارد، نقد خویش را می‌نگارد و هنگامی که مطلب را قابل پذیرش می‌بیند، بدون تعصب آن را می‌پذیرد. به عنوان مثال، در مبحث «حروف مقطعه» پس از بیان دیدگاه‌ها و تفسیرهای گوناگون می‌نویسد: برای فهم متشابهات باید به گفتار معصومین علیهم‌السلام رجوع کرد و چیزی از رأی خود نگفت... من خود را کوچک‌تر از آن می‌دانم که از دانشمندان عالی انتقاد کرده و به گفتارشان خرده‌گیری کنم. (همان، ج ۳، ص ۳۶)

در مجموع، امتیازات تفسیر بانو عبارت است از:

- در تفسیر بانو، از تفاسیر و روایات عامه و خاصه و نیز گفتار عرفا و فلاسفه بسیار استفاده است.
- در این تفسیر، ترجمه جدیدی از قرآن به ادبیات نویسنده ارائه شده که با ترجمه‌های موجود آن عصر متفاوت است و در نرم‌افزار جامع التفاسیر، به طور مستقل در بخش

- ترجمه قرآن تنظیم شده است. همچنین عدم بسندگی بانو به ترجمه‌های موجود قرآن اهمیت دارد، چنان‌که می‌توان وی را در شمار مترجمان قرآن نیز دانست.
- توجه خاص به نکات تربیتی و موضوعات و مسائل اجتماعی و سیاسی در خلال تفسیر و اهتمام به رسالت حوزوی.
 - استفاده از انواع روش‌های تفسیری عصر و ابداع روشی ترکیبی با تجمیع و یا ترکیب روش‌ها در تفسیر قرآن.

۴. نقش بانو امین رضی الله عنہا در گسترش دانش تفسیر

گرچه بانو امین در دوران عمر خویش به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و آثار وی، تبحر و نقش تأثیرگذارش در هر یک از این علوم را نشان می‌دهد؛ اما نقش او در سه حوزه علمی حدیث، تفسیر و عرفان، درخشان‌تر مشاهده می‌شود. وی نقش مهمی در گسترش دانش حدیث در قرن چهارم داشته و با روایتگری روایات کتاب اربعین الهاشمیه و شرح عمیق و دقیق احادیث نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام آگاهی بخشی کرده و ضمن تبیین و بررسی روایات در آثار خود، در زمینه عرفان و کشف و شهود نیز نقش مؤثری در زمانه خویش داشته است.^۱ در مقاله حاضر، کانون تمرکز بر نقش بانو در دانش و روش تفسیر است. به نظر می‌رسد برای بررسی نقش بانو و دانش تفسیر، افزون بر ایجاد تغییر و تحولات ناشی از حرکت علمی وی، باید ردپای آثار او در منابع پسین را جستجو کرد. نقش بانو امین در گسترش دانش تفسیر را در موارد زیر می‌توان ترسیم نمود:

۴.۱. ورود بانو به جامعه علمی؛ تحولی در عرصه حضور اجتماعی زنان

ویژگی‌های فرهنگی، زمینه‌های تاریخی و اوضاع زمانه بانو فرصتی برای حضور جدی زنان

۱. رک: طیبی، زندگانی بانوی ایرانی، ۱۳۸۰. به‌گونه‌ای که برای مبارزه با عرفان‌های منفی که منشأ خرافات می‌شود و پیشگیری از شکل‌گیری اندیشه‌های صوفیانه و قطب‌سازی از شخصیت بانو توسط بانوان دوستدار خویش، اجازه ترجمه النفاتح الرحمانیه را نمی‌دهد تا آنان که در سطح متوسط و پایین علمی و معنوی قرار دارند به دام سودجویان بازار عرفان کاذب گرفتار نشوند.



در عرصه علوم و به‌ویژه علوم دینی ایجاد نمی‌کرد؛ از این‌رو، ورود جدی و ثمربخش وی در این حوزه را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین اثر و نقش در نظر گرفت. بانو امین در شرایط دشواری که قلم به دست‌گرفتن برای زنان عار به‌شمار می‌رفت و زنان باید فقط در خانه‌ها بودند (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۳۵۴-۳۵۶) و شعار جامعه آن روز در مورد زنان، «نشینند و زاینند شیران نر» بود، بر خلاف افکار عمومی زمان خود پای در وادی تعلیم و تعلم نهاد، آموخت، آموزش داد، قلم به دست گرفت و آثار علمی و دینی ارزشمندی را نگاشت و منتشر کرد.

ملاقات‌های علامه طباطبایی رحمته‌الله، شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله، سیدعبدالوهاب طالقانی، سیدرضا ناطق و منصورزاده با بانوی مفسر قرن چهاردهم و گفتگوهای قرآنی که برخی از آنها توسط دکتر طالقانی ثبت شده،^۱ نشان‌دهنده تثبیت شخصیت بانو برای خواص دوران او است.

۴,۲. نقش زمینه‌ساز فعالیت‌های علمی زنان

بانو افزون بر تلاش در وادی علم‌آموزی و ارتقای آگاهی خویش، با تأسیس اولین حوزه علمیه رسمی در جهان اسلام، با نام مکتب فاطمه علیها‌السلام مشهور به مکتب بانو امین و نیز اولین دبیرستان دینی در اصفهان، زمینه حضور علمی دیگر زنان را فراهم ساخت. تأسیس این دو مرکز و سخنرانی‌های بانو و جلسات تفسیر او ضمن این‌که به مثابه مجوزی برای حضور فعال و نه منفعل زنان در عرصه‌های علمی و اجتماعی بود، میزان عزت نفس و اشتیاق زنان در ورود به صحنه‌های علمی را افزایش داده و برخی از بانوان آن عصر را از بی‌تفاوتی نسبت به رخدادهای پیرامون خود و احیاناً غوطه‌وری در تجمل‌گرایی و بی‌بصیرتی‌های رایج داد. از جمله دروسی که در این مدارس تدریس می‌شد، ادبیات عرب، منطق، قرآن، علوم قرآن و تفسیر و... بود، اما بانو بر مقوله تفسیر قرآن و تهذیب نفس تأکید بیشتری داشت. دلیل بر ادعا این‌که از زمان تأسیس مکتب فاطمه علیها‌السلام، در تمام مدت حیات بانو و پس از وی در دوران مدیریت بانو علویه همایونی، کلیه دروس مکتب در روزهای چهارشنبه تعطیل می‌شد و تمام محصلین، موظف به حضور در کلاس تفسیر به‌عنوان درس اصلی بودند و مدرّس

۱. نگارنده مقاله در گفتگو با دکتر عبدالوهاب طالقانی، استاد ادبیات عرب دانشگاه اصفهان، برخی از این مطالب را یادداشت کرده که برای پرهیز از استطراد، در مقاله استفاده نشد.

آن هم بانو امین و پس از رحلت وی، بانو همایونی بود. البته کلاسی نیز با محوریت کتاب معرفت النفس آیت الله حسن زاده آملی، در روزهای دوشنبه به طور عمومی برای همه طلاب برگزار می‌شد.^۱

۴,۳. ایجاد رکورد تفسیر کل قرآن توسط بانو در جهان اسلام

در طول تاریخ اسلام، بانوانی به فهم و تفسیر قرآن گرایش داشته و همت خود را در این مسیر قرار داده‌اند؛ اما ثمره همت آنان، تفسیر بعضی سوره و یا حتی بخشی از آیات قرآن کریم بوده است. در این میان، بانو امین با انگیزه قوی، همت مستمر و با استفاده از امکانات مالی خویش در چاپ آثارش، برای اولین بار کل سوره قرآن را تفسیر کرد. وی نگارش اولین جلد تفسیر را در سال ۱۳۷۶ق، در ۶۱ سالگی به پایان رساند. این کتاب شامل تفسیر سوره حمد و حدود نیمی از سوره بقره است. جلد دوم در فاصله‌ای کمتر از دو سال و در سال ۱۳۷۸ق، مصادف با مرگ همسر وی به اتمام رسید که در این جلد، نیمه دوم سوره بقره تفسیر شده است. وی پس از چاپ جلد دوم، به سبب کسالت و بیماری شدید، احتمال می‌دهد عمرش برای تفسیر کل قرآن کفایت نکند؛ از این رو، جلد سوم را به جزء‌های آخر قرآن اختصاص می‌دهد تا اگر به تقدیر الهی از دنیا رفت، تفسیر سوره‌های طولانی نیمه‌تمام نماند. این جلد که شامل تفسیر جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم است در سال ۱۳۳۸ش به پایان می‌رسد و بانو، تاریخ پایان نگارش کتاب را در صفحه آخر می‌نویسد.

به این ترتیب، جلد چهارم تا پانزدهم تفسیر مخزن العرفان، از سوره ملک آغاز شده و به آل عمران ختم می‌گردد و در حقیقت، بانو جلد سوم تا پانزدهم تفسیر قرآن را از آخر به اول می‌نگارد و در نهایت، تمام قرآن را تفسیر می‌کند. جلد چهاردهم و پانزدهم بدون ذکر تاریخ اتمام نگارش است؛ از این رو، تاریخ مشخصی برای پایان فعالیت تفسیری بانو در دسترس نیست. البته از آنجا که نظم زمانی خاصی بر مجموعه تفسیر وی سایه افکننده و معمولاً هر جلدی را حدود دو سال می‌نگاشته و جلد سیزدهم را در سال ۱۳۹۴ق به اتمام رسانده است، می‌توان احتمال داد که جلد پایانی را در حدود سال‌های ۱۳۹۸ یا ۱۳۹۹ق یعنی تقریباً چهار یا پنج سال پیش از وفات به نگارش درآورده است.

۱. نگارنده این مقاله در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹، قبل از هجرت به قم، افتخار حضور در هر دو کلاس و دیگر کلاس‌های مکتب از جمله: صرف، نحو، منطق، اصول عقاید و فلسفه با محوریت کتاب بدایه الحکمه و نهایه الحکمه را داشته است.

براین اساس، آخرین اثر بانو که جلد پایانی تفسیر وی است، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در عصر پهلوی دوم به نگارش درآمد و تا آن زمان، هیچ بانویی موفق به تفسیر کل قرآن نشده بود و بانو را می‌توان رکورددار این حرکت علمی و معنوی دانست.

۴,۴. تأثیرگذاری بانو در اتخاذ روش‌های تفسیری

با دقت در رویکرد مفسران و شیوه‌های تفسیری آنان در دوران عمر بانو، به میزان تأثیر و نقش بانو و اتخاذ شیوه ترکیبی وی در نسل بعدی مفسران پی خواهیم برد. مفسران مطرح در دوره حیات بانو و روش‌های آنها عبارتند از:

- علامه محمدجواد بلاغی (۱۲۸۲-۱۳۵۲ق)، صاحب تفسیر «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن» که تفسیر خود را با رویکرد کلامی و به روش قرآن به قرآن نگاشته است.
- ابن عاشور (۱۲۹۶-۱۳۹۴ق)، صاحب تفسیر «التحریر و التنبیه» معروف به تفسیر ابن عاشور که تفسیرش را به روش اجتهادی و با رویکرد اجتماعی- ادبی و بلاغی نگاشت. وی ۱۶ سال بزرگتر از بانو بود.
- شیخ احمد مصطفی مراغی فرزند محمدبن عبدالمنعم مراغی (۱۳۰۰-۱۳۷۱ق) صاحب تفسیر «مراغی» که اجتهادی و با رویکرد کلامی نگاشته شده و از تفاسیر مهم اهل سنت است.
- محمد ثقفی تهرانی (۱۳۱۳-۱۴۰۶ق)، صاحب تفسیر «روان جاوید» که آن را با رویکرد هدایتی و تربیتی نگاشت و دقیقاً هم‌روزگار بانو بود.^۱
- آیت‌الله سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری (۱۳۲۸-۱۴۱۴ق) صاحب تفسیر «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن» که این تفسیر را به روش اجتهادی و با رویکرد اجتماعی نگاشت. وی ۱۶ سال کوچک‌تر از بانو بود.
- ملکی (۱۳۲۴-۱۴۱۹ق) صاحب تفسیر «مناهج البیان فی تفسیر القرآن» که اجتهادی

۱. البته آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق) که ۵ سال کوچک‌تر از بانو بود و کتاب البیان وی در سال ۱۳۷۵ق در نجف به چاپ رسید و فقط سوره حمد را تفسیر نموده، به سبب این‌که در جرگه مفسران نیست، مطرح نشد.

بوده و به روش ترکیبی ادبی، اجتهادی، عقلی و قرآن به قرآن به نگارش درآمد. وی ۱۲ سال پس از بانو متولد شده بود.

- علامه سید محمد حسین طباطبایی (۱۳۲۰-۱۴۰۲ق) صاحب تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» که تفسیر خود را اجتهادی و به روش قرآن به قرآن نگاشت. وی ۸ سال کوچک تر از بانو بود، اما به دلیل وجود زمینه مناسب تحصیل برای مردان و هجرت به نجف برای تحصیل علوم دینی، تفسیر وی پیش از بانو در جامعه علمی گسترش یافت و از منابع تفسیر بانو به شمار می رود. نگارش المیزان از سال ۱۳۳۳ش و از ۴۴ سالگی علامه آغاز و ۱۷ سال بعد، در سال ۱۳۵۰ش به اتمام رسید؛ در حالی که تفسیر بانو، از حدود سال ۱۳۷۶ق برابر با ۱۳۳۶ش و در ۶۴ سالگی وی آغاز شد و در سال ۱۳۹۶ق برابر با ۱۳۵۶ش پایان یافت.^۱
- آیت الله ناصر مکارم شیرازی (ت ۱۳۴۵ق) که تفسیر «نمونه» را اجتهادی و با رویکرد اجتماعی نگاشت.

معمولاً تفاسیر در این دوره به روش اجتهادی و با رویکرد کلامی شیعی و گاه اجتماعی به نگارش درآمده است و بانو افزون بر دو رویکرد کلامی و اجتماعی، به جنبه های عرفانی و فلسفی نیز توجه داشته است. به نظر می رسد ترکیب روش ها و رویکردها که در تفسیر بانو مشاهده می شود، در تفاسیر پس از وی نیز راه یافت. وی به یک روش بستنده نکرده و ذیل تفسیر آیات قرآن، هر آنچه را برای آگاهی بخشی به مخاطب لازم می دانست، از جمله: مسائل تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، رفع شبهات کلامی و حتی در مواردی، آرای فلسفی و عرفانی خویش را به روش های علمی مطرح می کرد.

تفسیر بانو آمیزه ای از روش های تفسیری درایی (عقلی و اجتهادی)، روایی (روایات اهل بیت) و عرفانی (اشراقی و شهودی) است و از آنجا که یکی از گرایش های تفسیر اجتهادی، تفسیر بلاغی است، صبغه بلاغی نیز دارد. در این نوع تفسیر، رهیافتی زبانی به متن قرآن صورت گرفته و از این

۱. البته علامه در تفسیر روایی خود به نام «البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن» از ابتدا تا اواسط سوره یوسف را تفسیر کرده است.

منظر، به فهم و تحلیل گزاره‌های آن پرداخته می‌شود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۱۷۱). چنان‌که بانو در موارد زیادی با بهره‌گیری از علم بلاغت، به تفسیر آیات پرداخته است. (بانوی ایرانی، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۰۱؛ ج ۷، ص ۱۹ و ۵۹ و ج ۹، ص ۱۸۳)

۴,۵. نقش بانو و امکان ایجاد روش تفسیری جدید (ترکیبی)

در مدرسه یا مکتب تفسیری، به‌طور معمول درباره سه موضوع بحث می‌شود: منهج یا روش تفسیری، گرایش یا گرایش‌های تفسیری و خصایص و ویژگی‌های آن مدرسه یا مکتب تفسیری. (فضل حسن عباس، ۱۴۲۷، ص ۱۲۵ و ۵۸۷ و مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۴۲۷، ج ۸، ص ۴۳)

مطالعه دقیق و عمیق تفسیر بانو نمایانگر تمایز خاص این تفسیر در سه موضوع یادشده در میان تفاسیر هم‌روزگار وی است. روش ترکیبی که آمیزه‌ای از مجموعه روش‌های موجود است و عدم تقلید به یک روش و آمیختگی گرایش‌های عرفانی، تربیتی و اجتماعی و در مواردی، گرایش‌های کلامی و در نهایت، کاربردی کردن معانی آیات، که از ویژگی‌های تفسیر بانو است، قابلیت تبدیل به مدرسه یا مکتب تفسیری جدید را ایجاد می‌کند. نگارنده مقاله، عنوان «مکتب تفسیر ترکیبی» را برای آن پیشنهاد می‌دهد. البته برای این اصطلاح، پیشینه‌ای یافت نشد و متخصصان در علوم قرآن می‌توانند عنوانی مناسب تری ابداع کنند. گفته شده که گرایش تفسیری، سمت و سویی است که ذهن و روان مفسر در تعامل با اوضاع و مسائل عصر خود به آنها تمایل دارد؛ به‌طور مثال، در حالی که مهم‌ترین دغدغه‌های فکری یک مفسر، تربیت معنوی انسان‌هاست، بزرگ‌ترین دل‌مشغولی مفسر دیگر، مبارزه با حکومت جور و ایجاد جامعه‌ای اسلامی با حکومتی دینی است. به‌طور قطع، تفسیر این دو مفسر در عین دارا بودن نقاط مشترک فراوان، هر یک دارای جهت‌گیری خاص خود است، حتی اگر منابع تفسیر آن دو یکسان باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ص ۴۸ و ۴۹). بر این اساس، وجه تمایز تفاسیر از یکدیگر، به نوع گرایش و دغدغه‌های مفسران برمی‌گردد و در سایه بررسی شخصیت مفسر و حالات روحی وی، به انضمام نیاز عصر حیات او می‌توان گرایش‌ها را دریافت. گفته شده این‌که روش‌ها یا گرایش‌های تفسیری، نفی‌کننده همدیگر نیستند؛ بلکه مکمل یکدیگرند و پذیرش یکی، مانع از پذیرش روش و گرایش دیگری نیست. بله، روش تفسیر به رأی و برخی شیوه‌های

فرعی روش تفسیر علمی و اشاری و نیز برخی گرایش‌های تفسیری، که براساس تعصب و تحمیل نظر شکل گرفته، مردود و تفسیر قرآن براساس آنها ممنوع است. (علوی‌مهر، ۱۳۸۱، ص ۶۱۴ و رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۷)

گرایش بانو امین و دغدغه وی با توجه به ویژگی‌های عصر قاجار و پهلوی، که مجموعه آثار وی تحت تأثیر این دو دوره نگاشته شده، تبیین حقیقت و اثبات پویایی دین اسلام و به طور خاص، مکتب تشیع بوده و در برابر هجمه‌های برون مرزی و درون مرزی، به دفاع از آموزه‌های دین و دین‌مداران می‌پردازد. نگاه تربیتی، اجتماعی و اخلاقی بانو به مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات کلامی، افزون بر ایجاد تغییر در نگرش مردم عصر وی، موجب برجسته‌تر شدن نگرش اجتماعی و در نتیجه کاربردی شدن دانش تفسیر در متن زندگی انسان‌ها شد.

برخی شیوه‌های تفسیری از جهتی جزء روش‌های تفسیر و از جهت دیگر، جزء گرایش‌های تفسیری به شمار می‌آید؛ برای مثال، روش تفسیر علمی از آن جهت که استخدام علوم در فهم قرآن است و نتایج مشخص و جدید به دنبال دارد و از منبع و ابزار خاص در تفسیر استفاده می‌کند، از جمله روش‌های تفسیری به شمار می‌رود و به لحاظ گرایش مفسر به علوم تجربی عصری، جزء گرایش‌های وی هم می‌تواند باشد. برخی مفسران، از جمله طنطاوی در الجواهر، مطالب زیاد علوم تجربی را در تفسیر خود نقل کرده‌اند و این، گرایش تفسیری آنان به شمار می‌آید. این مطلب نسبت به روش تفسیر اشاری (عرفانی و باطنی) و روش تفسیر روایی نیز صادق است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۶). پیش از این بیان شد که بانو، ارجاعات بسیاری به تفسیر طنطاوی دارد و این مسئله، نمایانگر گرایش وی به تبیین و تفسیر قرآن با توجه به دانش تجربی بشر امروز است.

نتیجه‌گیری

بانو امین علیها السلام معروف به بانوی ایرانی، از زنان عالم و مجتهد در قرن چهاردهم هجری شمسی بود. از ایشان هشت کتاب ارزشمند بر جای مانده که در این میان، تفسیر مخزن العرفان، اثر شاخص

۱. تقسیم‌های دیگری نیز در گرایش‌های تفسیری موجود است و گاهی از این نام‌ها به جای همدیگر استفاده شده و گاهی بین روش و گرایش خلط شده است؛ ولی ما آنچه را به نظرمان مطلوب و صحیح‌تر می‌رسید بیان کردیم.

و قابل توجه بانو است. این تفسیر به صورت ترکیبی از روش‌های تفسیری نگاشته شد و گرچه در نگاه ابتدایی به نظر می‌رسد تفسیری عرفانی باشد؛ اما ترکیب روش‌های عقلی (اجتهادی و درایی)، نقلی (با بهره‌مندی بسیار از کتاب و سنت) و روش کشف و شهودی به وضوح در آن دیده می‌شود. بانو اولین زنی بود که موفق به تفسیر کل قرآن شد و به نظر می‌رسد برای اولین بار توسط وی، رابطه تنگاتنگی بین تفسیر عقلی و عرفانی ایجاد شد؛ زیرا به طور معمول، این دو مقوله روشی در یک اثر نمی‌گنجد، اما بانو با این ترکیب، طرحی نو در روش تفسیری در انداخت. نقش بانو امین در گسترش علوم با توجه به آثار علمی و عملی وی و به‌ویژه دانش و روش تفسیری ایشان را می‌توان پژوهید. دستاوردهای مقاله حاضر عبارت است از:

- پیش‌بینی می‌شود روش تفسیری بانو، قابلیت تبدیل به یک مکتب و یا مدرسه جدید تفسیری را دارد و در صورت پذیرش جامعه علمی قرآنی، عنوان «مکتب تفسیر ترکیبی» برای آن پیشنهاد می‌شود.
- نقش بانو در گسترش دانش از دو منظر قابل بررسی است: نقش‌های خاص مربوط به جامعه زنان و نقش عام در رابطه با روش و گرایش تفسیری.
- ورود شخص بانو در عرصه علوم و به‌ویژه دانش تفسیر و نقش زمینه‌ساز برای زنان عصر خویش و دوره‌های پسین، از جمله نقش‌های خاص در ارتباط با جامعه زنان است.
- نقش‌های عام نیز شامل تأثیرگذاری بانو در اتخاذ روش‌های تفسیری و نقش تفسیر وی در ترکیب تفسیر درایی (عقلی یا اجتهادی) و عرفانی است.
- با توجه به بسامد کتاب تفسیر مخزن العرفان و نگارش مقالات متعدد با محوریت این تفسیر معلوم می‌شود، انتظاری که از آثار بانو و به‌ویژه تفسیر وی می‌رفت، برآورده شده و این بانوی فرهیخته، در تحول دانش و روش تفسیری، نقش قابل توجهی داشته است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

ب) کتاب

۱. ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العرب.
۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الأعلام الاسلامی.
۳. ازهری، محمدبن احمد، ۱۳۸۲ش، تهذیب اللغة، تهران: موسسه الصادق.
۴. امین، نصرت بیگم، ۱۳۱۵ش، الاربعین الهاشمیة فی شرح جملة من الاحادیث الواردة فی العلوم الدینیة، اصفهان: بی نا.
۵. _____، بی تا، روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، اصفهان: چاپ محمدی.
۶. _____ (بانوی ایرانی)، بی تا، مخزن العرفان، اصفهان: نشاط.
۷. باقری بیدهدنی، ناصر، ۱۳۷۲ش، بانوی نمونه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. براون، ادوارد، ۱۳۸۰ش، انقلاب مشروطیت ایران، مترجم: مهری قزوینی، تهران: کویر.
۹. بلاغی، محمدجواد، بی تا، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم: نشر وجدانی.
۱۰. پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۰ش، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران: نشر خیام.
۱۱. ثقفی تهرانی، محمد، بی تا، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: نشر برهان.
۱۲. جمعی از محققین مؤسسه فرهنگی و پژوهشی امام امیرالمؤمنین، ۱۳۸۹ش، فریده عصر، اصفهان: نشر هستی نما.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ش، الصحاح، تحقیق و تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۴. خوبی، ابوالقاسم، ۱۴۳۰ق، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۵. راوندی، مرتضی، ۱۳۸۲ش، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه.
۱۶. رجالی، اعظم، ۱۳۸۸ش، تفسیر موضوعی ۲۴ واژه قرآنی... بر اساس تفسیر مخزن العرفان بانو مجتهده امین، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی (با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی)، ۱۳۸۷ش، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۱۸. شمیم، علی اصغر، ۱۳۸۷ش، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات بهزاد.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ش، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۰. طنطاوی بن جوهری، ۱۴۲۵ق، الجواهر، به کوشش: محمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. طبیبی، ناهید و جمعی از شاگردان بانو (زیر نظر بانو علویه همایونی)، ۱۳۸۰ش، زندگانی بانوی ایرانی، قم: نشر سابقون.



۲۲. عبدالحمید، نرگس، بی تا، روش‌شناسی تفسیری بانوامین (ارائه در کنگره بانوامین)، بی جا: بی نا.
۲۳. علوی مهر، حسین، ۱۳۸۱ش، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: انتشارات اسوه.
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۷ش، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: نشر ایران (سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۶. فضل حسن عباس، ۱۴۲۷ق، المفسرون، مدارسهم و مناهجههم، اردن: دارالنفائس.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. کوئن، بروس، ۱۳۷۸ش، مبانی جامعه‌شناسی، مترجم: غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سازمان سمت.
۲۹. مراغی، احمد مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
۳۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب قم.
۳۱. معرفت، محمد هادی، ۱۳۷۹ش، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۳. ملکی میانجی، محمد باقر، ۱۴۱۴ق، مناہج البیان فی تفسیر القرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، نشر دفتر سماحه آیت الله السبزواری، بی جا: بی نا.

ب) مقاله

۱. امین، سید حسن، ۱۳۴۷ش، «من ذکریات اصفهان»، العرفان، ش ۵۶۷، ص ۲۴۲-۲۴۶.
۲. اهل سرمدی، نفیسه و ایزدی، مریم السادات، ۱۳۹۲ش، «مقایسه دیدگاه حکیم مدرس زنوزی و بانوامین در توحید ذات»، الهیات تطبیقی، سال چهارم، پاییز و زمستان، ش ۱۰.
۳. باقری بیدهندی، ناصر، ۱۳۷۳ش، «بانوان قرآن پژوه»، مجله پیام قرآن، ش ۴.
۴. طیبی، ناهید، ۱۳۸۵ش، «بانوی ایرانی و تفسیر مخزن العرفان»، مجله کوثر، ش ۳۰، ص ۳۶-۴۰.
۵. غروی نایینی، نهله، ۱۳۷۸ش، «تفسیر مخزن العرفان و مفسران»، بینات، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ش ۲۱، صفحه ۴۵-۵۴.
۶. مهریزی، مهدی، ۱۳۸۵ش، «زن در تفسیر مخزن العرفان بانوامین اصفهانی»، آینه پژوهش، ش ۹۸، ص ۱۶-۲۳.

ج) نرم افزار

- نرم افزار بانوی ایرانی، دفتر تبلیغات اسلامی، (متن وصیت نامه).